

ترجمه: کاظم خادمیان، بنیاد پژوهشهای اسلامی  
مرکز تربیت معلم شهید هاشمی نژاد مشهد

## مشهد (۲)

### MASHHAD from The Gazateer of Persia Vol. 2

Tr: K. Khademian

Islamic Research Foundation

Teacher's Training Centre of Shahid Hashemi Nejad Mashhad

The geographical condition of Mashhad containing physical and human geography, a short outline of its history and Information about the last decade of 19th century.

به جز خیابان، معابر مشهد چیزی وسیعتر از کوچه‌هایی با دیوارهای مرتفع گلی نیست. معابر اصلی به صورت نامنظمی سنگ فرش شده‌اند.

### بازارها

بازارها که از نظر اقتصادی زیاد هم مهم نیستند به محلات خاصی محدود نمی‌شوند. بازار اصلی بازار سر پوشیده‌ای است واقع در محله سرشور و بازارهای کوچکتر که معمولاً سر پوشیده هستند در گوشه و کنار شهر پراکنده هستند.

### بناها

منازل معمولاً از گل ساخته شده‌اند و از نظر کیفی از بناهای حاشیه خیابان پست‌ترند. این بناها با دیوارهای بلند گلی محصور شده و درهای کوچکی به داخل خانه‌ها بازمی‌شود. بناها دوطبقه‌اند و بندرت در بین آنها بنایی با نمای آجری، که توسط ساکنین متول، نظیر ترکها و دیگران ساخته شده، مشاهده می‌شود. یکی از مناظر جالب در پشت بامها بادگیر یا برج باد است که در ایران خیلی معمول است.

در حالی که تعداد مساجد به ۵۰ باب می‌رسد اما بندرت ساختمانی از این قبیل در

خارج از منطقه [اماکن متبرکه]، با ظاهری باشکوه، دیده می شود. مساجد معتبر عبارتند از: مسجد شاه و مسجد ذوالفقار واقع در محله سرشور، مسجد عیدگاه و مسجد بالاخیابان. مساجد فوق و زیارتگاه نیمه مخروبه گنبدسبزه، در نزدیکی محله ارگ که جزو بناهای زمانهای اخیر می باشد، و پیر پالاندوز (۱۵۷۷ م) [۹۵۵ هـ ش] از اهمیت قابل ذکری برخوردارند.

### قتلگاه

علی رغم همه قوانین و مبانی بهداشتی تعداد زیادی گورستان در گوشه و کنار شهر احداث شده که مهمترین آنها قتلگاه، واقع در محله نوغان، است. محله ای برای استراحت و آسایش ابدی که با دقت زیادی تسطیح شده و متدینین پول خوبی برای دفن در این مکان می پردازند.

### ارگ

والی ایالت خراسان در ارگ یا در قلعه حکومتی، در نزدیکی گوشه شمال غربی شهر، سکونت دارد. این محل بنایی است که نمای معماری خیلی باشکوهی ندارد، امنیت آن به صورت مشترک با استفاده از باروی مخروبه شهر تأمین می شود. در مقابل ارگ در مجاورت نواحی شمال غربی شهر، پادگانهای مخروبه توپخانه، میدان فضای بازی با مساحت تقریبی  $\frac{1}{4}$  مایل مربع [۶۵ هکتار] دیده می شود.

### بناهای ادارات کنسولی

در سمت شمال شرق میدان بناهای جنرال کنسولی انگلستان قرار دارد که اطراف آن را باغی وسیع با خطوط ارتباطی و نگهبانیهای استوار احاطه کرده و کل مساحت آن در حدود ۱۰ تا ۱۲ جریب [۰/۴۷ - ۴/۸۵۶۴ هکتار] است.

ساختمانهای جنرال کنسولی روسیه با باغی کوچکتر در داخل شهر و در محله چهارباغ واقع شده است. اکثرار و پایان ساکن مشهد در اطراف ساختمانهای جنرال کنسولی سکونت دارند.

### حمامها

تعداد گرمابه ها یا حمامهای عمومی تقریباً ۱۵۰ باب است. این تأسیسات بناهای خیلی جالبی ندارند.

مدارس<sup>۱</sup>

مدارس یا کالجهای امروزی متأثر از تعلیمات دینی اسلام هستند، برنامه های درسی آنها شامل مباحث مذهبی، منطق و فلسفه است. در مورد موضوع اخیر فعالیتهایی معمول شده که با روشهای جدید هماهنگ شود. زبان فرانسه و روسی نیز آموزش داده می شود اما به علت وجود تعصبات شدید مذهبی آموزش این دروس به ساعات شب موکول شده است. به جدول شماره ۱ مراجعه فرمائید.

جدول شماره ۱- مدرسه ها

نام مدرسه	تاریخ تأسیس	محل ای که در آن واقع شده
۱- مدرسه نواب	۱۰۸۶ هـ ق	بالا خیابان
۲- مدرسه ملا محمد باقر	۱۰۸۳ هـ ق	بالا خیابان
۳- مدرسه فضل خان	۱۰۷۵ هـ ق	بالا خیابان
۴- مدرسه حاجی حسن	۱۰۸۵ هـ ق	بالا خیابان
۵- مدرسه سلیمان خان	۱۷۹۵ میلادی	کوچه حمام شاه
۶- مدرسه پریراد	۱۰۹۱ هـ ق	سرشور
۷- مدرسه بالاسر	۱۰۹۱ هـ ق	سرشور
۸- مدرسه دودر	۸۴۳ هـ ق	سرشور
۹- مدرسه میرزا تاج یا مستشاریه	-	صحن کهنه
۱۰- مدرسه میرزا جعفر	۱۰۵۹ هـ ق	صحن کهنه
۱۱- مدرسه پایین پا	۱۰۸۷ هـ ق	پشت مسجد گوهرشاد
۱۲- مدرسه حاجی ملا احمد کاشی	۱۳۱۵ هـ ق	پشت مسجد گوهرشاد
۱۳- مدرسه حاجی رجبعلی بخارایی	۱۳۱۲ هـ ق	پشت مسجد گوهرشاد
۱۴- مدرسه خیرات خان	۱۰۵۷ هـ ق	بست پایین خیابان
۱۵- مدرسه عبدل خان	۱۰۸۵ هـ ق	پایین خیابان
۱۶- مدرسه عباس قلی خان	۱۰۷۷ هـ ق	پایین خیابان
۱۷- مدرسه حاجی آقاچان	۱۲۵۹ هـ ق	کنار قتل گاه

۱- منظور مدارس علمیه می باشد. م

ادامه جدول شماره ۱- مدرسه

نام مدرسه	تاریخ تأسیس	محلّه ای که در آن واقع شده
۱۸- مدرسه سبزواریه	۱۲۲۰ هـ ق	کنار قتل گاه
۱۹- مدرسه رضوان	۱۰۱۷ هـ ق	کوچه جدید
۲۰- مدرسه همت	۱۳۱۸ هـ ق	گندم آباد
۲۱- مدرسه مظفری	۱۳۲۲ هـ ق	کوچه ارگ

کاروانسراها

در مشهد تعداد زیادی کاروانسرا وجود دارد که بیشتر آنها همان طور که از اسمشان پیداست به گروه مسافرین خاصی تعلق دارد. تعداد مسافرینی را که هریک از این کاروانسراها می توانند بپذیرند، معمولاً براساس سنتهای ملی محاسبه شده و از نظر کیفیت بهداشتی و آسایش توجه کمتری به آنها مبذول شده است.

جدول شماره ۲- کاروانسراها

ردیف	نام کاروانسرا	ظرفیت تقریبی پذیرش	محلّه ای که در آن واقع شده	ملاحظات
۱	گمرگ	۳۰۰ نفر	بالا خیابان	
۲	ملک	۹۵۰ نفر	بالا خیابان	
۳	عبدالکریم ناظر	۱۰۰ نفر	بالا خیابان	
۴	حاج محمدرضا	۲۰۰ نفر	بالا خیابان	
۵	زغالیه	۱۰۰ نفر	بالا خیابان	
۶	قزاق Cossack	۵۰۰ نفر	بالا خیابان	
۷	مخرا Makhra	۳۰۰ نفر	بالا خیابان	
۸	گاریچی ها	۳۰۰ نفر	بالا خیابان	
۹	وزیر نظام	۴۵۰ نفر	بست بالا خیابان	
۱۰	نصیریّه	۵۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۱	گندم آباد (شامل دو واحد ساختمانی)	هر کدام ۳۰۰ نفر	بازار سرشور	

## ادامه جدول شماره ۲ - کاروانسراها

ردیف	نام کاروانسرا	ظرفیت تقریبی پذیرش مهمان	محله ای که در آن واقع شده	ملاحظات
۱۲	حسینیه	۲۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۳	سالار	۳۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۴	قزوینی ها	۲۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۵	شیربرنجی ها	۱۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۶	کاشی ها	۳۰۰ نفر	بازار سرشور	
۱۷	سلطانی	۹۵۰ نفر	بازار سرشور	
۱۸	حاج میرزا محمد یزدی	۳۸۵ نفر	بازار سرشور	
۱۹	مشهدی رضا	۱۵۰ نفر	بازار سرشور	
۲۰	تقی بهنگی	۱۵۰ نفر	پایین خیابان	
۲۱	شاه وردی خان	۵۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۲	امام جمعه	۳۵۰ نفر	پایین خیابان	
۲۳	عبدل خان [ابدال خان صحیح است. م.]	۲۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۴	دالان وزیر	۱۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۵	ازبک	۱۴۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۶	گمرگ قدیم	۹۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۷	رضاقلی میرزا	۱۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۸	زنبورک چی ها	۱۰۰ نفر	پایین خیابان	
۲۹	حاجی امین	۱۵۰ نفر	پایین خیابان	
۳۰	سید محسن	۱۰۰ نفر	پایین خیابان	
۳۱	حاجی میرزا هراتی	۱۵۰ نفر	پایین خیابان	
۳۲	حاجی سید مهدی	۱۵۰ نفر	پایین خیابان	
۳۳	حاجی غلامحسین هراتی	۲۰۰ نفر	پایین خیابان	
۳۴	بابا عینی	۱۰۰ نفر	پایین خیابان	
۳۵	حاجی صالح	۲۰۰ نفر	پایین خیابان	
۳۶	حاجی محمد جعفر ترک	۱۵۰ نفر	چهارباغ	
۳۷	معاون الاپاله	۱۵۰ نفر	چهارباغ	

### جمعیت

جمعیت شهر مشهد در سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته و احتمالاً امروزه رقمی بین ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر می رسد. تعداد جمعیت بومی خیلی زیاد نیست اما در شهر جمعیت زیادی از آذربایجانیها و تعداد کمتری از ترکهای قره باغی (تحت الحمايه روسیه) و هزاران نفر از هزاره ایها و بربرها که غالباً اَره کش (هیزم شکن) و آبکش هستند دیده می شوند. علاوه بر گروههای فوق تعدادی از اقوام دیگر را با جمعیت کمتر نیز می توان به این گروهها اضافه کرد:

اقوام	محله سکونت تقریبی
۱ - سیستانی ها	بالا خیابان و پایین خیابان
۲ - بیرجندی ها	بالا خیابان و پایین خیابان
۳ - قاینی ها	بالا خیابان و پایین خیابان
۴ - کرمانی ها	نوغان
۵ - مروی ها	نوغان
۶ - کورمی ها	پایین خیابان
۷ - کاشمیری ها	محله سرهانه
۸ - یزدی ها	بالا خیابان
۹ - افغانی ها	پایین خیابان

در گوشه و کنار شهر عده ای، تهرانی، شیرازی، اصفهانی، مازندرانی، بجنوردی، و رشتی نیز زندگی می کنند.

### اروپاییها و اتباع تحت الحمايه اروپاییان

حدود ۷۰ نفر اروپایی در مشهد سکونت دارند که ۶۰ نفر آنها روس و بقیه بریتانیایی و بلژیکی هستند. اتباع روس شامل مسلمانان قفقازی، یهودیها و ارمنیهای روس، رقمی بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر را تشکیل می دهند. اتباع انگلیسی شامل هندی ها در حدود ۱۰۰ نفر می باشند.

### یهودیهها

تعداد یهودیهای مشهد تقریباً ۴۰۰۰ نفر است که در یک محله استثنایی سکونت دارند.

در یک اغتشاش ضد یهود در سال ۱۸۳۸ که منجر به قتل ۳۵ نفر یهودی به دست انبوه جمعیت شد بقیه به اجبار مسلمان شدند. آنها به نام جدید یا نومشهورند، اگرچه به پیروی از پیامبر اسلام تظاهر می‌کنند، اما در واقع مثل همیشه یهودیان معتقدی هستند. یهودیان مسلمان شده مراسم مذهبی خود را مخفی نگه می‌دارند و این در حالی است که گاه و بیگاه عده‌ای را به مساجد می‌فرستند که حضور خود را نشان دهند. این یهودیان از ازدواج با مسلمانان خودداری می‌کنند. با این که عده زیادی از یهودیان از تجار معتبره به شمار می‌روند اما به طور اتفاقی معدودی از آنها از نظر مالی در مضیقه هستند که به طور مدام مورد بی حرمتی قرار می‌گیرند. محله یهودیها در نزدیکی محله عیدگاه واقع شده، که ساختمانها و حیاطهایشان به یکدیگر راه دارند.

### کولی‌ها

در حدود ۱۵۰ خانوار کولی که به اصطلاح محلی به «قِرِشمال» معروفند، در محله پایین خیابان سکونت دارند و مبلغ ۲۰۰ تومان برای آنها مالیات تعیین شده است. افراد این گروه به کارهای آهنگری، خراطی و قصابی اشتغال دارند و زنان آنان نیز خواننده و رقاصه هستند.

### مذهب و عادات مردم

مشهد یکی از مقدس‌ترین اماکن زیارتی شیعیان است. اما اقلیت سنی با اهمیت کمتر جمعیت زیادی را در خود شهر و مخصوصاً در حومه آن تشکیل می‌دهد. اغلب افغانی‌ها، همه هزاره‌ای‌ها، ترکمن‌ها، تیموری‌ها و اقوام مجاور مرز افغانستان سنی هستند. مطالب زیادی در مورد شرارت و تعصب مردم مشهد توسط گذشتگان به رشته تحریر درآمده است. با توجه به اتهامی که گذشتگان زده‌اند شاید امروزه مصداق بیشتری از آن روزها داشته باشد. حضور تعداد زیادی از زوار ساده لوح و مشتاق ایرانی و غیر ایرانی الزاماً موجب ظهور میزبانانی ماجراجو و حریص می‌شود که به زوار به عنوان منبع معاش می‌نگرند.

...

تا اندازه‌ای می‌توان چنین تصور کرد که شورش‌های ضدارمنی که در جریان اغتشاشات محرم ۱۹۰۵ در مشهد به وقوع پیوست، اصولاً توسط ترک‌های قره‌باغی به تلافی قتل عام هموطنشان به دست ارمنی‌های باکوسازمانده‌ی شده باشد.

علاوه بر این می توان ادعا کرد که اتباع اروپایی ساکن مشهد در گذشته در مقابل خشونت و بی حرمتی مردم تأمین بیشتری داشته اند.

## زوّار

در طی تمام سالهای متمادی گذشته جمعیت زیادی از زوّار حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد دیده شده اند. هیچ آمار مستندی از تعداد آنان در دسترس نیست، در طول فصول مناسب سفر تعداد جمعیت زوّار حاضر در مشهد کمتر از ۱۰ هزار نفر نیست و این در حالی است که در فصل زمستان این رقم بندرت از ۱۰۰۰ نفر تجاوز می کند.

## اوضاع اداری و مالیاتها

اداره امور خراسان البته بدون حوزه بست و اماکن متبرکه و حرم مطهر، به والی ایالت که در محله ارگ مستقر است، واگذار شده است. بیگنریگی که بدون هیچ دلیلی توسط تعداد زیادی فراش همراهی می شود، مسوول مستقیم اداره و امور انتظامی شهر است، افراد تحت فرمان او و نیز سربازهای مستقر در قراولخانه ها مجری فرامین وی هستند. رئیس کل بلژیکی مالیه خراسان که سه نفر صاحب منصب بلژیکی و یک نفر کارمند جزء ایرانی در اختیار دارد در مشهد اقامت دارد.

## درآمدها

شهر مشهد هر سال ۳۰۲۰۰ تومان مالیات نقدی می پردازد. مالیات امروزی مشهد به کل مالیاتهای ایالت خراسان افزوده شده است.

## کنسولگریهای خارجی

کنسولگری روس و کنسولگری انگلیس در سال ۱۸۸۹ در مشهد گشایش یافت.

۱- والی خراسان مالیاتهای زیر را می پردازد:

الف:	مالیات اصناف	۳۰۰۰۰/ تومان
ب:	مالیات کولی ها	۲۰۰/ تومان
ج:	درآمد معادن نیشابور که در مشهد پرداخت می شود	۳۵۰۹۰/ تومان



هیأت اروپایی نمایندگی بریتانیا به طور معمول از یک نفر کنسول و نایب کنسول و پزشک نمایندگی و یک نفر وابسته نظامی، تشکیل شده است. یک گروه اسکورت متشکل از ۲۵ سوار هندی زیر نظر کنسول انجام وظیفه می‌کنند.

هیأت روسی هم شامل یک نفر کنسول، نایب کنسول، مترجم، وابسته نظامی و یک نفر پزشک است. گروه اسکورت به طور معمول متشکل از ۲۵ نفر روس و چند قزاق ایرانی است. نمایندگی افغانستان توسط یک نفر وابسته بازرگانی با نام تجارباشی اداره می‌شود. سلاحهای موجود در کنسولگری روس (در ژوئن ۱۹۰۶) به شرح زیر بوده است:

تفنگ خشاب دار	۱۲۶ قبضه
تفنگ دولول	۱۴ قبضه
تفنگ officers (فرماندهی)	۳۲ قبضه
مهمات موجود انواع سلاحها به شرح زیر بوده است:	
سلاحهای کوچک	۷۰۰۰ تیر
مهمات شامل هر جعبه ۲۴ نازنجک	۵ جعبه
باروت	۸ جعبه

### مراکز نظامی

پادگان مشهد از دو هنگ پیاده که هر کدام دارای ۵۰۰ نفر نیروست، تشکیل شده است. یکی از این دو، هنگ پیاده معمولی و دیگری هنگ بیگلربیگی یا پلیس انتظامی است. این نیروها به تفنگ های تهر، ورندل<sup>۱</sup>، مسلح هستند. اما سلاحهای نیروهای انتظامی در انبار است و افراد آن به نیزه یا تفنگهای سر پرتیله ای مسلح هستند. این نیروها دارای پادگانهای معمولی نیستند بلکه در گوشه و کنار شهر در قراولخانه ها یا در پاسگاهها مستقر می‌باشند. بیشتر آنها به عنوان دربان و مأمور ویژه برای اتباع اروپایی و افراد متمول شهر، کار می‌کنند.

هنگ پیاده نظام یک دسته نیروی جزء، به استعداد ۱۰۰ نفر نیرو در هر دسته، در کلات نادری و محسن آباد دارد و یک دسته ۱۰۰ نفری آن هم در سرخس مستقر است.

(احتمالاً مجموع دسته‌های مذکور در حدود نیم هنگ با ۲۵۰ نفر نیروست). این دسته‌های نظامی هر سال یک بار تعویض می‌شوند.

پادگانهای توپخانه واقع در میدان، دارای ۸ عراده توپ سرپر می‌باشند و تعدادی توپچی در این پادگان‌ها مستقرند. در محوطه داخلی یک توپ عتیقه و بزرگ مربوط به دوره نادرشاه دیده می‌شود.

تعداد ۳ عراده توپ M.L هم در ارگ مستقر است. همه این توپها به گلوله‌های ۹ پوندی مجهزند و وضعیت بسیار خوبی دارند. توپها زنگ زده نیستند و چرخهای آنها شکسته نیست. در داخل ارگ ۲ توپ برنجی کوهستانی دیده می‌شود. این توپها تقریباً نوبوده و وضعیت بسیار خوبی دارند و به نظر می‌رسد که از نوع توپهای مدل M.L ۴ پوندی باشند.

### آب و هوا

به علت موقعیت جغرافیایی مشهد که در ارتفاع متوسط واقع شده، این شهر دارای آب و هوای خشک و خاک متخلخل می‌باشد. تابستان آن خیلی گرم نیست و از ورزش بادهای شدید مصون است، بطورکلی مشهد دارای آب و هوای بسیار دلپذیری است.

### خاک

خاک سطحی مشهد تا اندازه زیادی از شن و ماسه تشکیل شده است که در دامنه ارتفاعات جنوب غربی شهر با صخره‌ها همراه است.

### بادها

قسمتهایی از شهر که در مجاورت ارتفاعات قرار گرفته از ورزش بادها مصون است. باد غالب از سمت شرق و شمال شرق و بیشتر در فصل تابستان می‌وزد. در زمستان جهت بادها متغیر است.

### بارش (باران و برف)

میانگین بارندگی سالیانه مشهد طی سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۰ ۷/۸۲ اینچ [معادل ۱۹۸/۶ میلی‌متر]، بدون محاسبه مقدار برف، بوده است. آمار دقیقی از میزان ریزش برف در

میانگین دمای خشک و میانگین حداقل دمای قرائت شده برای هریک از ماههای سال در پنج سال گذشته مطابق جدول ذیل بوده است. (درجات به فارنهایت است).

جدول شماره ۳. میانگین دما (۱۹۰۱-۱۹۰۵)

سالها		۱۹۰۱		۱۹۰۲		۱۹۰۳		۱۹۰۴		۱۹۰۵	
ماهها	خشک	حداقل	خشک	حداقل	خشک	حداقل	خشک	حداقل	خشک	حداقل	خشک
ژانویه	۳۲/۲	۲۶/۴	۳۳	۳۱	۲۵/۵	۲۰/۴	۲۷	۲۱	...	...	
فوریه	۳۴	۳۱/۳	۳۵/۷	۳۰/۳	۳۳/۴	۲۸/۳	۴۲/۳	۳۰/۵	...	...	
مارس	۴۸/۹	۴۱/۹	۴۴/۹	۳۸/۵	۳۴/۴	۲۷/۴	۴۴/۹	۳۶/۹	...	...	
آوریل	۶۱/۲	۴۵/۷	۵۶/۲	۲۷	۵۴	۴۴/۵	۵۶/۵	۴۶/۳	...	...	
مه	۷۲/۴	۵۹/۶	۷۲/۵	۵۹/۵	۶۸/۱	۵۲/۶	۷۰/۳	۵۶	...	...	
ژوئن	۷۴/۹	۶۲/۳	۸۲/۶	۶۵/۸	۸۰	۶۳/۸	۷۶/۳	۶۰/۹	۸۰/۶	۶۰/۴	
جولای	۸۰/۱	۶۶/۱	۸۲/۱	۶۷	۷۶/۶	۶۵	۸۱/۶	۶۴/۱	۸۸	۶۵	
اگست	۷۸/۴	۶۱/۳	۸۰/۲	۶۳/۲	۷۴/۷	۶۲/۶	۷۵/۶	۵۹/۸	۸۸/۶	۶۳/۳	
سپتامبر	۶۸/۶	۵۶/۲	۶۶/۵	۵۳/۲	۷۰/۴	۵۴/۵	۶۹/۸	۵۰/۸	۷۵/۷	۵۳/۱	
اکتبر	۴۷	۴۰/۷	۵۶/۵	۴۶	۴۸/۵	۴۲/۶	۵۲/۹	۴۲	۷۰/۸	۴۲/۹	
نوامبر	۴۲	۳۷/۴	۴۳	۳۸	۴۵/۲	۳۳/۵	۵۴	۴۶/۷	۵۸/۴	۳۷/۸	
دسامبر	۳۶/۵	۳۳	۳۶/۲	۳۲	۳۹/۳	۳۹/۸	...	...	۴۹/۹	۳۳/۲	

توجه: ارقام ستونهای خالی در دسترس نبوده است.

دست نیست اما احتمالاً میزان ریزش برف سالیانه ۱۸ اینچ [۴۵/۷۲ سانتیمتر] تخمین زده می شود. بیشتر باران در اوایل بهار و در اواخر ماههای مارس و آوریل و نوامبر و دسامبر می بارد. معمولاً بارانهای بهاری سنگینتر از بارانهای پاییزی است. در فصل تابستان، در ماههای ژوئن و جولای، به طور اتفاقی رگبارهایی همراه با رعدوبرق دیده می شود. در سال ۱۹۰۴ تگرگی استثنایی در مشهد بارید که بعضی از گلوله های آن از تخم مرغ بزرگتر بود. این توفان خسارات زیادی به منازل، گاوها و سردرختی ها و محصولات کشاورزی وارد کرد.

## دما (درجه حرارت)

طی پنج ساله ۱۹۰۴-۱۹۰۰ حداقل مطلق دمای مشهد مطابق جدول زیر بوده است:  
میزان حداکثر مطلق دما در طی همین سالها در دست نیست.

سال	دما به فارنهایت	دما به سانتیگراد (م)
۱۹۰۰	۰	-۱۷/۷
۱۹۰۱	۹	-۱۲/۷
۱۹۰۲	۴	-۱۵/۵
۱۹۰۳	۴	-۱۵/۵
۱۹۰۴	۳	-۱۶/۱

## منابع آب

آب مشهد از سه منبع تأمین می شود:

۱- چاه هایی که در باغات یا حیاط منازل، یا در حواشی و یا زیر سطح خیابان حفر شده است.

۲- کانالهای روباز که از خیابانها می گذرد.

۳- قناتها یا کاریزها، چاههایی هستند که در امتداد کانالهای زمینی حفر شده و به یکدیگر متصل شده اند و آب آنها در کانالها جریان می یابد.

تعداد چاهها زیاد است و بیشتر منازل شخصی دارای چاه هستند. این چاهها غالباً به صورت حفره هایی با عمق چند یارد و حتی چند فوت حفر می شود، بنابراین آب این گونه چاهها معمولاً و به طور دائم آلوده است.

کانال اصلی آب به طور مستقیم از داخل شهر می گذرد. مسیر آن از بالا خیابان تا دروازه پایین خیابان است. سرچشمه این آب، چشمه ای معروف به چشمه گیلان در فاصله تقریبی ۴۰ مایلی [۶۴ کیلومتری] مشهد می باشد. آب آن تا فاصله ای از شهر مشهد صاف و خوب است. اما در نزدیکی شهر منبعی از انواع آلودگیهاست و در امتداد خیابان عملاً چیزی جز یک کانال فاضلاب روباز نیست. علی رغم این موضوع بیشتر مردم فقیر از این آب، به منظور شرب و سایر مصارف روزمره استفاده می کنند. این موضوع شاید بیشتر به علت تنبلی و بی توجهی آنان به آلودگی باشد تا اجبار آنان به مصرف این آب، زیرا به موازات این

فاضلاب روباز، آب زیرزمینی نسبتاً پاکیزه و حفاظت شده قناتی که توسط نیرالدوله احداث شده و قبلاً ذکر آن رفت، وجود دارد. آب این قنات از طریق چاههای متعدد حفاظ داری که در فواصل گوناگون حفر شده اند، در دسترس عامه قرار می گیرد. استفاده از آب این چاهها از طریق دریاچه های کوچکی که در دیواره های جانبی مخازن سنگی تعبیه شده میسر است. سرچشمه این قنات هم در چشمه گیلاس در فاصله ۴۰ مایلی [۶۴ کیلومتری] واقع شده است. قناتهای متعدد و مهم دیگری نیز از اطراف به داخل شهر کشیده شده اند که سرچشمه همه آنها در کوه بندگلستان است. در جدول زیر نام تعدادی از قناتهای با اهمیت آورده شده است.

جدول شماره ۴ - قناتها

شماره	نام قنات	سرچشمه
۱	کانال و قنات بالا خیابان	چشمه گیلاس
۲	قنات مؤتمن السلطنة در بالا خیابان	چهل بازوی گلستان
۳	قنات آصف الدوله در بالا خیابان	چهل بازوی گلستان
۴	قنات ممیش خان در بالا خیابان	چهل بازوی گلستان
۵	قنات میرزا در بالا خیابان	چهل بازوی گلستان
۶	قنات سناباد در سراب	چهل بازوی گلستان
۷	قنات رکن آباد در ارگ	چهل بازوی گلستان
۸	قنات شیخ در ارگ	چهل بازوی گلستان
۹	قنات سلسبیل در ارگ	چهل بازوی گلستان
۱۰	قنات مسجد در ارگ	چهل بازوی گلستان
۱۱	قنات گل ختمی بین ارگ و عیدگاه	چهل بازوی گلستان
۱۲	قنات چهنوبین ارگ و عیدگاه	چهل بازوی گلستان
۱۳	قنات حاجی درویش در نوغان	چهل بازوی گلستان

### میزان آب

میزان آب موجود در مشهد بیش از مقدار مصرف است و اصولاً کم آبی در مشهد بندرت دیده شده، اما در سالهایی که ارتفاع برف کم و میزان باران ناچیز باشد بهای آب مصرفی بخش کشاورزی افزایش می یابد.

### کیفیت آب

آب چاههای شهر مشهد همیشه توسط مواد مترشحه از فاضلابها و غیره آلوده می شود. آب کانال خیابان در نزدیکی شهر آلوده می شود و غیرقابل مصرف است. آب چاههایی که سرچشمه آنها در گلستان است پاک و شفاف و از هرگونه طعم بد عاری است اما آب بعضی از آنها حاوی نیدرژن سولفور است که وسایل جراحی و یا اجسام فلزی دیگر در زمانی کوتاه در داخل این قبیل آبها سیاه می شود. آب قناتها تا وقتی که به سطح زمین می رسد سالم است اما به محض آن که در دسترس انسان قرار می گیرد حتی اگر از آب آن برای مقاصد اسایتر استفاده نکنند با شستن لباس و بدن به طور سیستماتیک آن را آلوده می کنند. آب آشامیدنی بیشتر اروپاییان ساکن مشهد معمولاً از قنات گل ختمی واقع در محلی به فاصله یک مایلی بیرون دروازه ارگ، تأمین می شود. در محلی که آب این قنات به سطح زمین می رسد اطراف آن را دیوار کشیده اند و دیواره نهر یا تخته سنگهای بزرگ پوشانده شده است. یک لوله سفالی قطور آب را به فضای باز هدایت می کند و لوله مشابه دیگری آب را به مظهر قنات و به محلی که آب در فاصله ای کوتاه مجدداً در زیر زمین ناپدید می شود می رساند.

طرحی در دست اجراست که ارتفاع دیوارهای این محل را افزایش دهند و در مدخل آن دریچه، قابل بستن، تعبیه کنند تا این منبع آب را به طور کامل برای اروپاییان بهداشتی نمایند.

### Dhobies, ghats - رختشویی

اماکن مستقل و مخصوصی برای شستن لباس وجود ندارد. مردم در هر جایی، حتی اگر منبع آب آشامیدن باشد، به لباس شویی می پردازند. اماکن باز به سادگی مورد استفاده قرار می گیرند و بیشتر از همه از مظهر قناتها برای این منظور استفاده می کنند. موارد متعددی مشاهده شده که مردم در اماکن مذکور و یا محل تأمین آب شرب اروپاییان به شستن لباس پرداخته اند. اما ترتیبیاتی داده شده که این گونه معابر را ببندند.

### حمامها

تعداد گرمابه ها یا (حمامها) در مشهد بسیار زیاد است و در تمام مناطق شهر دیده

می شود. استحمام هفتگی جزو برنامه رسمی همه ایرانیان متوسط الحالی است که توانایی پرداخت هزینه لازم را دارند. هر حمام دارای یک خزینه آب گرم است که مشتریان پس از اصلاح و کیسه کشی بدن، خود را در آن می شویند. این خزینه ها فاقد مجرای فاضلاب است و از قسمت بالا از آب پر می شود و آب سرریزان از روی لبه سنگ ها به پایین می ریزد. بندرت اتفاق می افتد که خزینه کاملاً تخلیه شود و در نتیجه لجن و کشافات حاصله از بدن مشتریان در ته آن انباشته می شود که ضخامت آن تا قوزک پا می رسد. این در حالتی است که گرمابه ها عمومی است و همه طبقات مردم از آن استفاده می کنند، صرف نظر از این که اغلب آنها به بیماریهای مختلفی مبتلایند، خزینه ها نیز منبع انتشار انواع بیماریها، مخصوصاً بیماریهای پوست و چشم و در مواردی سیفلیس می باشد. اهالی روستاهایی که فاقد حمام عمومی هستند، در موارد نادر و استثنایی بدنشان را می شویند و یا لباسشان را عوض می کنند.

### مساکن

یک خانوار ایرانی متوسط الحال در طبقه دوم خانه، که از بیرون توسط پلکانی به تراس هدایت می شود، زندگی می کند. اتاقهای طبقه فوقانی روبروی حیاط مرکزی که تقریباً تمام فضای جلواتاقها را گرفته ساخته شده اند. درو پنجره های اتاقها بد ساخته شده اند و چوب نامناسب آن به آسانی تاب برمی دارد. درزها و شکافهای درها و پنجره ها به گونه ای است که هوا به آسانی و شدت از آنها جریان می یابد. تنها چاره رفع این مشکل این است که به طور جدی این منافذ را مسدود کنند. این گونه اتاقها هرگز در فصل زمستان، به طور کامل، گرم نمی شوند، زیرا اگر هم بتوان درها و پنجره ها را به طور کامل بست، اما تعمیر خرابیهای آنها ممکن نیست و مردم هم بقدری تنبل هستند که حاضر نیستند برای این کار به خودشان زحمت بدهند. بنابراین آنها از گزند سرمای شدید زمستان در امان نمی مانند. بیماریهای ریوی در فصل زمستان خیلی شایع است.

رسم عمومی در خانه های ایرانی این است که یک میز مربع شکل [به نام کرسی] با ارتفاع تقریبی یک فوت در وسط اتاق می گذارند و در زیر آن یک منقل دغان برافروخته سرخ قرار می دهند. روی کرسی یک لحاف بزرگ پنبه ای تا فاصله ای از لبه های کرسی پهن می کنند. افراد خانواده دور کرسی می نشینند و پاهایشان را تا نزدیکی منقل دراز می کنند و به

این ترتیب اوقات فراغتشان را با کشیدن سیگار، نوشیدن چای و غیره و یا با بازی چکرز draughts سپری می‌کنند. به هنگام شب در همین مکان بالش زیر سرشان می‌گذارند و با همان وضع می‌خوابند. کسانی که امکانات مالی بیشتری دارند گاهی از بخاری هم استفاده می‌کنند. بخاری روبازی که در آن آتش می‌کنند. این بخاری که اتاق را بهتر گرم می‌کند و موجب رواج بیشتر بازی چکرز می‌شود.

به علت ضخامت کم دیوارها و اشغال مساحت زیادی از دیوارها توسط در و پنجره‌های ساختمان و نواقصی که قبلاً ذکر شد، امکان ندارد بتوان در فصل تابستان اتاقها را خنک نگه داشت. برای جبران این نقص مردم معمول اتاقهایی در طبقه زیرین ساختمان دارند که «زیرزمین» نامیده می‌شود و به هنگام شدت گرما به آن جا پناه می‌برند.

طبقات پایین مسکن ایرانی که مرطوب و غیر بهداشتی تر از اتاقهای طبقات بالاست، به خدمتکاران، آشپزخانه و انباری اختصاص دارد.

در محلات فقیرنشین، ممکن است چندین خانوار در یک واحد مسکونی، نظیر آنچه که در بالا توضیح داده شد، و یا فقط زیرزمینی و یا یک طبقه سکونت داشته باشند. در چنین مواردی هم ممکن است که سطح مسکن خیلی پایین تر از سطح خیابان باشد که یک در دارد و هیچ پنجره‌ای در سطح دیوارها که بتوان آنها را بست و یا مسدود کرد و یا هیچ منفذ دیگری برای خروج دود آتش و یا دود ذغال، وجود ندارد.

## توالتها

اطلاعات ارائه شده در این بخش از غیر بهداشتی و پایین بودن شرایط آنها حتی از پیش با افتاده‌ترین مبانی و اصول شناخته شده بهداشتی حکایت می‌کند.

شکل ظاهری توالتها عبارت است از حفره‌هایی که در زمین تعبیه شده و با شیبی تند به چاهی به عمق ۱۲ تا ۲۰ فوت [۳/۶۶ تا ۶/۱ متر] منتهی می‌شود. وقتی که چاه‌ها پر می‌شود، فضولات داخل آن با سطل و طناب و یا با حفاری تخلیه می‌شود که به منظور استفاده از آن به عنوان کود، از محل حمل می‌شود. گاهی ممکن است که فضولات تخلیه شده در جایی در کوچه و یا خیابان و یا در مکانی در فضای باز انباشته شود و به این ترتیب منظره بسیار مشمئزکننده‌ای را به وجود می‌آورد.

در منازل مردم بی‌بضاعت برای زمانی طولانی چاهها تخلیه نمی‌شود. بنابراین پر شده و



فضولات اضافی در اطراف محل پخش و به این ترتیب شدیداً محیط را آلوده می‌کند. هنگامی که به خاطر بیاوریم که در بیشتر موارد آب مصرفی منازل از چاههایی تأمین می‌شود که در فاصله کمی از آنها، چاههای فاضلاب قرار دارند شرایط وحشتناک حاصله را می‌توان حدس زد. در بعضی از مواقع آب مصرفی روزانه از یک منبع یا حوض وسط حیاط خانه که در بسیاری از منازل معمول است، تأمین می‌شود. آب این مخازن در عین حال از منابع بیرون تأمین می‌شود، به این منوال که از کانالی که احتمالاً انباشته از مواد فاسد و یا از مواد ترشح شده از دیوارهای زیرزمینی چاههای فاضلاب و یا از مواد منتشره از حفره‌های توالت‌ها می‌باشد آب به منبع وارد می‌شود.

### دفن مردگان

در میان شیعیان متدین ایران سنتی همگانی وجود دارد که به بستگانشان وصیت می‌کنند که جنازه‌شان را برای تدفین به شهر مقدس مشهد یا کربلا حمل کنند. برای اجرای این رسم تعداد زیادی از جنازه‌ها از راه‌های دور و در شرایط متفاوتی از فساد به حرم انتقال یافته و قبل از تدفین نهایی آن در یکی از قبرستانهای متعدد داخل شهر، در داخل حرم طواف داده می‌شود. اجرای مراسم آن بقدری جدی است که حتی در مواقع شیوع اپیدمی‌هایی نظیر آبله یا وبا بدون توجه به پی آمدهای وحشتناک آن برای شهروندان که خود حامی و مشوق و مؤید اجرای اینگونه مراسم هستند نیز، متوقف نمی‌شود.

به این ترتیب گورستانهای مشهد با اجساد متوفیات نسلهای متوالی پر می‌شود. این گورستانها مملو از موشهایی است که با حفر کانالهای زیرزمینی گورستانها را با منازل مجاور آنها مرتبط می‌سازند.

به هنگام شیوع شدید طاعون نظیر آنچه که امروزه در هند به صورت اپیدمی درآمده، شرایط بسیار سختی در مشهد به وجود می‌آید.

### کشتارگاهها

کشتارگاههای عمومی تقریباً در فاصله ۵۰ یاردی [۴۶ متری] بیرون باروی شهر و در کنار جاده عیدگاه به دروازه پایین خیابان واقع شده است. علی‌رغم مراقبت مسول کشتارگاه، سگهای ولگرد عظیم‌الجثه‌ای که در واقع لاشخورهای شهر هستند، در منطقه دیده

می شوند. با وجود این سگها، اطراف خانه های این منطقه بسیار متعفن است به طوری که موجب ناراحتی عمومی می شود. علاوه بر این تأسیسات عمومی، تقریباً هریک از پاسگاههای نیروهای انتظامی داخل شهر همانند یک کشتارگاه خصوصی است زیرا که سربازان کم موجب و ژنده پوش ایرانی، با پرورش گوسفند و ذبح و فروش گوشت آنها زندگی فلاکت باری را ادامه می دهند.

### تأمین مواد غذایی

از این کشتارگاهها اصولاً برای کشتار گوسفند استفاده می شود و قصابها منحصرأ با گوسفند سر و کار دارند. گوشت گاو را فقط مردم بی بضاعت مصرف می کنند، که از طریق ذبح گاوها و یا شترهای بیمار که اصولاً گوشت آنها قابل مصرف نیست، تأمین می شود. گوشت مرغوب گاو را بندرت آن هم با قرار قبلی با قصاب می توان تهیه کرد. گوشت انواع شکار نظیر گوسفند وحشی [آهو] و گوزن bustard و مرغابی و کبک، باقرقه و غیره در اغلب فصول به وفور عرضه می شود. علاوه بر این از گوشت مرغ و بوقلمون نیز می توان نام برد.

تعداد شیرفروشهای عمومی بسیار زیاد است. معمولاً در جلو مغازه شیر را در یک ظرف بزرگ به نام پاتیل، برای گرفتن خامه آن، به آرامی می جوشانند و سپس شیر خامه گرفته شده را می فروشند. این نوع کلاهبرداری که خیلی هم رایج است با اضافه کردن آب که اغلب از نزدیکترین آب در دسترس که معمولاً غیرقابل مصرف نیز می باشد، تکمیل می شود. بنابراین مصرف شیر بازار همیشه با خطر همراه است.

برای تهیه خمیر نانی که در نانوائیها به فروش می رسد نیز از همین نوع آبهای آلوده استفاده می شود و این در حالی است که حرارت مورد استفاده در پختن نان آن قدر نیست که میکربهای موجود در خمیر را از بین ببرد. بنابراین مهمترین ماده رژیم غذایی هم خالی از خطر نیست.

### بازرسیهای بهداشتی

در مشهد واحد بازرسی کارآیی برای امور بهداشتی وجود ندارد. اما یک نفر پزشک محلی که از طرف شاه به وی لقب رئیس الاطباء اعطا شده، وجود دارد که وظیفه او تأمین

امکانات و شرایط بهداشتی مطلوب برای زندگی مردم است. ولی چون او هیچ گونه قدرت اجرایی و مالی، برای انجام وظایفش، در اختیار ندارد، بنابراین علی رغم بازرسیها و توصیه های بهداشتی، اغلب سرسری و نه جدی، کاری از او ساخته نیست.

### تندرستی عمومی

علی رغم وجود شرایط غیربهداشتی در این شهر، و آداب و رسوم عجیب و غریب در امور مربوط به دفن مردگان، در مقایسه با بسیاری از شهرهای قاره ای [غیربندری] با تعجب باید اذغان داشت که وضع سلامت عمومی به طور فوق العاده ای مطلوب است. هیچ آمار مستندی برای تخمین میزان مرگ و میر وجود ندارد، اما به نظر می رسد که رقم آن خیلی زیاد نباشد. گاهی اپیدمیهای خطرناک نظیر وبا که توسط زوار از سایر شهرهای کشور انتقال می یابد شایع می شود، اما بزودی ریشه کن شده و به عنوان یک بیماری بومی باقی نمی ماند.